



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

# خاطرات

## خاطره‌ای بسیار مهم از آیت الله طباطبایی (سلطانی)

در شماره گذشته وعده دادیم که بخش خاطرات این شماره را با خاطره‌ای ارزشمند از آیت الله طباطبایی، بیاراییم. نگارنده این سطور بر این باور است که این خاطره، یکی از ارزشمندترین خاطرات تاریخ انقلاب اسلامی ایران است و روشنگر زاویه‌هایی مبهم و مهم. موضوع خاطره، پاسخ به این پرسش تاریخی است که چرا روابط حضرت امام با بیت حضرت آیت الله العظمی بروجردی در شماره گذشته وعده دادیم که بخش خاطرات این شماره را با خاطره‌ای ارزشمند از آیت الله طباطبایی، بیاراییم. نگارنده این سطور بر این باور است که این خاطره، یکی از ارزشمندترین خاطرات تاریخ انقلاب اسلامی ایران است و روشنگر زاویه‌هایی مبهم و مهم. موضوع خاطره، پاسخ به این پرسش تاریخی است که چرا روابط حضرت امام با بیت حضرت آیت الله العظمی بروجردی

قدس سرهما - پس از مرجعیت ایشان - تا حدودی به سردی گرایید و استحکام گذشته خود را از دست داد.

**اشاره به دو دیدگاه متفاوت**

پیش از هر چیز ناگزیر باید اشاره‌ای داشت به دو دیدگاه متفاوت در نگارش تاریخ انقلاب اسلامی ایران:

۱ - دیدگاه کسانی که هر گونه اشاره‌ای به تفاوت خط مشی مراجع گذشته با حضرت امام قدس اسرار هم را، اهانت به



می‌دانیم که در این میان دیدگاه‌های دیگری نیز، بیرون از چارچوب قابل قبول برای نظام جمهوری اسلامی نیز هست که برای پرداختن به آن دلیلی نمی‌بینیم. اگر دیدگاه نخست پذیرفته شود، تاریخ و تاریخنگاری در مورد انقلاب اسلامی ایران دیگر مفهومی نخواهد داشت.

پرداختن به تاریخ و تاریخنگاری در

مسورد انقلاب اسلامی، آن‌گاه خردپذیر است که بتوان ریشه‌یابی و زمینه‌شناسی آن را به تحلیل نشست. در ریشه‌یابی و زمینه‌شناسی تاریخ انقلاب

اسلامی ایران، ناگزیر چگونگی تأسیس حوزه علمی قم، شخصیت مؤسس محترم حوزه و مشی سیاسی و فرهنگی وی و نیز تحولات حوزه پس از وی، به ویژه در دوران زعامت آیت‌الله العظمی بروجردی ناگزیر مطرح خواهد شد. از پرسشهای متعارف در این زمینه، علل و عوامل انزوای

ساحت آن مآجع می‌دانند، چنان‌که اختلاف نظر و موضع این حضرات را، امری غیر طبیعی تلقی می‌کنند. از دیدگاه اینان مراجع معظم تقلید و رهبران دینی شیعه را تا حد عصمت باید تجلیل کرد و اندک انتقاد و خدشه‌ای در مورد آنان، گناهی است کبیره و نابخشودنی.

۲- دیدگاه دیگرانی که بر این اندیشه و

باورند که مراجع عظیم‌الشان تقلید و رهبران شیعه - پس از معصومین سلام‌الله‌علیهم‌اجمعین - بزرگانی هستند شایسته ستایش و هر یک را کسارنامه‌ای درخشان، با درجات

تلاش آیت الله بروجردی  
در تقویت حوزه با سیاست  
خاص مورد نظر ایشان،  
زمینه ساز تقویت پایگاهی  
شد که نهضت اسلامی از آن  
آغاز گردید.

تمایز و دیدگاههای متفاوت و مواضع گوناگون که عوامل مختلفی - از جمله شرایط محیط و مقتضیات زمان - در آن اثر گذارند.

چنان‌که این بزرگان می‌توانند در مواردی دچار خطا نیز باشند که مورد انتقاد علمی - به دور از غرض ورزی - قرار گیرد.



بررسی همه سویه مسائل، سرانجام به این نتیجه می‌رسند که تنها شخصیتی که می‌توان مرجعیت شیعه را در شرایط کنونی به او سپرد، حضرت آیت الله العظمی حاج سید حسین بروجردی رضوان الله تعالی علیه است. با برنامه‌ریزی سنجیده‌ای از حضرت ایشان برای حضور در حوزه قم دعوت می‌شود و با تلاشی گسترده و مدبرانه، پس از حضور آن حضرت در قم، مرجعیت عامه شیعه برای نخستین بار در تاریخ مرجعیت، بیرون از نجف و در قم، مستقر می‌شود.

۵- شرایط سیاسی آن روزگار به گونه‌ای بوده است که سیاست دربار، در برابر این امر، برانگیخته به کارشکنی نمی‌شود. یکی از عوامل اثرگذار بر خام شدن رژیم، احساس خطر از حزب توده و رشد آن در فضایی پس از شهریور ۱۳۲۰ بوده است. بگذریم که شکوه و عظمت مرجعیت آیت الله العظمی بروجردی، پس از استقرار در قم تا آن حد، قابل پیش بینی نبوده است. هوشیاری مجریان این برنامه نیز ستایش انگیز است و فراسوی این همه، مشیت الهی و امدادهای غیبی است که

حضرت امام است در برهه‌ای از این تاریخ که خاطره آیت الله طباطبایی در شناخت نکات مهمی در این زمینه سودمند است.

اینک پیش از آوردن این خاطره مهم و سودمند، اشاره به نکته‌هایی را سودمند می‌دانم:

۱- شهریور ۱۳۲۰، نقطه عطفی است در تاریخ معاصر ایران در سیاست خارجی و داخلی، با پیامدهایی عمده‌تأسیسی و بعضاً فرهنگی که پیدایش احزاب پر آوازه سیاسی از آن جمله است.

۲- در آن فضا و پس از درگذشت مؤسس عظیم الشان حوزه قم، عالمانی بزرگ با همکاری و همیاری، حوزه را اداره می‌کرده‌اند که هریک، قدرت و محوری بوده‌اند، با ویژگی‌هایی.

۳- اهل حل و عقد در حوزه قم، به رهبری حضرت امام قدس سره بر آن می‌شوند که در چنان فضایی - در جهت حضور جدی‌تر مرجعیت شیعه در صحنه سیاسی و با بهره برداری از اخلاص و ایثار و بی‌هوایی آن عالمان بزرگ و پرآوازه - گامی اساسی بردارند.

۴- در تعقیب چنین تصمیمی و با

نگاهی به بخش نخستین نامه ۳۱ نهج البلاغه که از آن به جمع بندی تجربه‌های عمر امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌توان تعبیر کرد، در این زمینه روشنگر نکته‌هایی است آموزنده و بینش زا.

۸- همراهان و همگامان حضرت امام، آنجا که تفاوت دیدگاهی به هر دلیل پیش آید، بر سر دو راهی حساسی قرار می‌گیرند که نباید انتظار داشت که دچار دستپاچگی و لغزشهای ناشی از آن نشوند. آنان، از یک سو از ابهت معنوی و نفوذ کلام حضرت امام اثر پذیرند، از سوی دیگر از کمتر رنجش آیت الله العظمی بروجردی نگران...

۹- در این میان، بسا بدخواهانی باشند که حضور شخصیتی چون حضرت امام را با طرح و برنامه در بیت مرجعیت متقدر زمان، مزاحم، ارزیابی کنند.

اینک با جمع بندی این نکته‌ها، خاطره تاریخی آیت الله طباطبایی را از نگاه بگذرانیم که روشنگر نکته‌هایی است بسیار ارزشمند:

...در بازگشت از یکی از سفرها به

ارزیابی آن از توان اندیشه و تحلیل علمی بیرون است، چنان که در ذهنیت متشرعه مرتکز است که امر مرجعیت از دخالت عوامل ظاهری بیرون است.

۶- با این همه، نقش تعیین کننده حضرت امام قدس سره را در این رویداد مهم تاریخی، نباید و نمی‌توان فراموش کرد. به همین دلیل، او بیش از دیگران احساس مسؤولیت داشت. چه، قدرت فردی را پیامدهایی است و بیگانه را در آن آزمندیهایی و اهرمهای نامرئی و خطرناکی. چنین است که باید با همکاری عناصری مطمئن، آن رابه نظامی آسیب ناپذیر تبدیل کرد. از سویی، ایجاد هر گونه محدودیت را محذوراتی است.

اینجاست که دو نگاه متفاوت پیش می‌آید:

۱- نگاه برون نگر حضرت امام قدس سره و هم اندیشان وی.

۲- نگاه درون نگر شخصیتی که عهده دار مسؤولیت سنگین مرجعیت است.

۷- تفاوت سنی حضرت امام را نیز با آیت الله العظمی بروجردی، باید در نظر داشت، که هر نسلی را ویژگی‌هایی است.



نباید انتظار داشت که بزرگان، مراجع و رهبران دینی همه یکسان بیندیشند و همه دارای موضعگیری همانند باشند. آنچه مورد انتظار است، وارستگی آنان در بررسی مسائل از هوا و هوس و شائبه‌های شرک آلود است. اگر چنین باشد - که هست - خطای آنان نیز با امدادهای غیبی جبران می‌شود و ثمره نیک به بار می‌آورد که خداوند، دگرگون ساز بدیهاست به نیکی.

موکول شد که پس از طرح در جلسه‌های آینده و تصویب، جهت اجرای آن اقدام شود.

در جلسه بعد - که من و مرحوم حاج سید احمد زنجانی غایب بودیم - طرحی به بحث گذاشته می‌شود و پس از

بروجرد، برخورداری داشتم با آقای امیرزا ابوالحسن که گفت: خبر دارید که آقا جمعی را برای اداره امور حوزه برگزیده‌اند که شما یکی از آنان هستید؟

اظهار بی اطلاعی کردم گفت: مطلع خواهید شد. به زودی در جریان امر قرار گرفتم و در نخستین جلسه آقایان که ترکیبی بود از ۱۲ تن، دعوت شدم، شب پنج شنبه، مدرسه حاج ملا محمد صادق.

در آن جلسه، اصل طرح عنوان شد و مسؤولیتی که به جمع واگذار شده بود، با تصدیق این مطلب که در اجرای این مسؤولیت، شتابزده نمی‌توان کاری کرد. با این همه، در آن جلسه تصمیم مهمی در مورد برنامه امتحان طلاب [و طبقه‌بندی سطوح علمی آنان] گرفته شد، [که هم اکنون نیز همان طبقه‌بندی سه‌گانه با تغییراتی: - سطح، سطح عالی و خارج - مورد قبول است] به زودی برنامه امتحان، به همین صورت [برای اولین بار در حوزه قم] اجرا شد.

در مورد مسائل کلی‌تر در زمینه مسؤولیت محوله و سامان یافتن حوزه، اقدامات اساسی، به فراهم شدن طرحی



کمکی به شخصیت محترم می‌بکنم، با مطرح شدن این تصمیم در جمع دیگری، حیثیت او هتک شود؟

با مطرح شدن پرسشهایی از این قبیل، تصمیم ایشان عوض می‌شود، به این شکل: آقایان را دعوت می‌کنم و در مورد این جزئیات با آنان صحبت می‌کنم.

صبح پنج شنبه‌ای بود، مباحثه‌ای در دارالشفاء داشتم، اجتهاد و تقلید رسائل [از مباحث متروکه رسائل که معمولاً از ایام تعطیل در مورد فصلهایی از این دست استفاده محدود می‌شود] بعد از مباحثه، تصمیم گرفتم، سری به منزل آیت الله بروجردی بزنم. وضع بیرونی را آشفته و غیر عادی دیدم. از مشهدی حسن پرسیدم، مسأله خاصی پیش آمده است؟

خبر ندارید؟

نه!

جمعی از آقایان خدمت آقا بودند، نمی‌دانم چه شد که آقا عصبانی شدند...

وارد اتاق شدم، همان دوستان و جمعی را دیدم که از سوی آیت الله بروجردی مسؤولیت اداره حوزه به آنان واگذار شده بود. زمینه جریان برایم روشن شد. آقایان

تصویب جلسه، همان شبانه برای آیت الله بروجردی ارسال می‌شود، تا در صورت امضای ایشان، اجرا شود.

ابتدا ایشان - پس از مروری به آن طرح - می‌پرسند: آیا این طرح مورد تصویب همه آقایان است و در مورد آن، همگی اتفاق نظر دارند؟

در پاسخ گفته می‌شود: فلانی [آیت الله طباطبایی گوینده این خاطره] و آقای زنجانی در جلسه حضور نداشته‌اند، حاضرین همه امضا کرده‌اند.

بسیار خوب، توسط مشهدی رضا برای آن آقایان می‌فرستم، اگر نظر خاصی نداشته‌اند و اتفاق نظر پیش آمد، امضا می‌کنم، انشاء الله عمل شود.

نیمه شب که ایشان برای تهجد بیدار می‌شوند، در مورد پاره‌ای مسائل مورد

اشاره در طرح، دچار تردید می‌شوند. مثلاً به موجب این طرح، مسائل مالی حوزه و بیت ایشان با نظم خاصی پیشنهاد شده بود.

محذوری که برای ایشان مطرح می‌شود این است که در مواردی این امر، با شؤون بعضی اشخاص محترم ناسازگار است. چه لزومی دارد که اگر بنده تصمیم گرفتم



می خواستند بروند. [چون به بازگشت آیت الله امیدی نبود] با اصرار من ماندند. برای حل مشکل به اتافی رفتم که بین بیرونی و اندرونی بود و در این گونه موارد ایشان معمولاً آن جا تشریف می بردند. وارد آن اتاق شدم، به اطراف نگاه کردم ولی ایشان را ندیدم. ناگهان با تعجب متوجه شدم که پشت همان در ورودی با حالت

در جلسه ای که آن طرح مطرح شده است، حضرت عالی و آقای زنجانی حضور نداشته‌اید. ابتدا می خواستم آن را جهت استفسار از نظر تان بفرستم، اگر مورد اتفاق بود، امضا کنم و عمل شود. ولی سحر که برای نماز بیدار شدم، تردیدهایی برایم پیش آمد و تصمیم گرفتم که با آقایان حضوراً صحبت کنم. امروز وقتی تشریف

جایگاه هر انسان، بیش یا کم تأثیری است در اندیشه و شناخت او؛ کسی که در موضع رهبری است مسائل را به گونه ای می بیند و دیگری که در موضع دیگری هستند، به گونه ای دیگر.

عصبانیت نشسته‌اند. در برابر ایشان پس از سلام زانو زدم و نشستم:

آقا، عصبانی به نظر می رسید؟

بله، عصبانی هستم، چرا نباشم؟ و

داستان را به این شرح بیان فرمودند:

آقایان، طرحی را برای اداره حوزه نزد

من فرستادند که پس از تحقیق معلوم شد،

آوردند و من در جلسه حاضر شدم، از اولین کسی که سمت راست من نشسته بود، آقای حاج شیخ علی محمد موحدی پرسیدم، شما طرح را مطالعه فرموده‌اید و امضا کرده‌اید؟

گفت: نه!

از نفر دوم، آقای آسید ابوطالب





پرسیدم... او هم به همان صورت جواب داد!

وقتی از سومین نفر پرسیدم، گفت: آقا خودتان را خسته نکنید، هیچ کس...!

پرسیدم، چطور بی مطالعه امضا کرده‌اید؟ گفت: ...ملاحظه می‌کنیم.

از چه کسی؟... من سرنوشت حوزه را به شما سپرده‌ام...

در این میان یکی از آقایان همکاری را مشروط به پذیرفته شدن این طرح کرد... اصولاً من به حوزه چه نیازی دارم؟...

عرض کردم، آقا، شما چرا عصبانی می‌شوید؟ دستور حضرت عالی برای همه متبع است. حتی اگر امضا هم می‌فرمودید و

بعد نظرشان تغییر می‌کرد، همه می‌پذیرفتند.

به هر حال موفق شدم که ایشان را برای حضور مجدد در جمع آقایان متقاعد کنم، تا به صورتی بحث به نتیجه سودمندی برسد. اما وقتی ایشان مجدداً در جلسه تشریف آوردند، مرحوم آقای حائری [آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری] با صمیمیت تعبیر می‌کردند که پرخاشی را در

پی داشت و تشنجی را:

ایشان گفتند: آقا، چرا شما عصبانی

می‌شوید؟ ما در اختیار شما هستیم، شما می‌توانید ما را فلک کنید.

مگر من ملا مکتبی هستم؟...

به هر حال از آن پس، وضعی پیش آمد که کسانی فرصت یافتند با بعضی شیطنتها و سعایتها در روابط اخلال کنند...

در مثل گاهی که [حضرت امام] آقای خمینی برای دیدن آیت الله بروجردی می‌آمدند، مسؤول ملاقاتها وقت آمدن ایشان را به اطلاع می‌رسانید که وقت وضو و مقدمات نماز آیت الله بروجردی بود، در نتیجه ملاقات به وقت دیگر موکول می‌شد و...

من که روابط نزدیکتری با بیت داشتم و برای اطرافیان چنین کارهایی عملی نبود، ترتیبی دادم که هر گاه چنین موقعیتی پیش می‌آمد از طریق آقای صانعی در جریان قرار می‌گرفتم و در آن ساعت حضور داشتم تا به هنگام، آمدن ایشان به اطلاع برسد و کسی فرصت بهره‌برداری پیدا نکند...



### جمع بندی و نتیجه گیری

در جمع بندی این خاطره ارزشمند تاریخی - گذشته از روشن شدن زوایای یکی از مقاطع بسیار مهم تاریخ انقلاب اسلامی - می توان نتیجه گرفت که:

۱ - خلوص و سلامت انگیزه را نقشی است تعیین کننده در ثمره تلاش. چنان که به رغم پاره ای تفاوتها در اندیشه و مواضع حضرت امام با آیت الله العظمی بروجردی، اینک به وضوح بر ایمان روشن است که تلاش آیت الله بروجردی در تقویت حوزه با سیاست خاص مورد نظر ایشان، زمینه ساز تقویت پایگاهی شد که نهضت اسلامی از آن آغاز گردید.

۲ - نباید انتظار داشت که بزرگان، مراجع و رهبران دینی همه یکسان بیندیشند و همه دارای موضعگیری همانند باشند. آنچه مورد انتظار است،

وارستگی آنان در بررسی مسائل، از هوا و هوس و شائبه های شرک آلود است. اگر چنین باشد - که هست - خطای آنان نیز با امدادهای غیبی جبران می شود و ثمره نیک به بار می آورد که خداوند، دگرگون ساز بدیهاست به نیکی.

۳ - جایگاه هر انسان، بیش یا کم تأثیری است در اندیشه و شناخت او؛ کسی که در موضع رهبری است مسائل را به گونه ای می بیند و دیگرانی که در موضع دیگری هستند، به گونه ای دیگر.

۴ - تصمیم گیری با رهبر شایسته است، تنها انتظار این است که به دیگران نیز فرصت داده شود که اندیشه و دیدگاه خود را بیان کنند، تا در برخورد اندیشه ها فرصت بهتری برای نتیجه گیری و تصمیم فراهم شود.